

اهل گیلان

در ستایش نوزدهم مبارک

محمد شمس لنگرودی | شاعر

سال نو زبانی دیگری دارد آغاز می شود اما نه فقط ما بلکه جهان سال گذشته نامش بی دانشمیه انگار تمام بدی های تاریخ از سینه بدی قایل تا امروز در مشت فشرده و بر ما (در جهان) مانده ریخته است پس آن همه غیر سونوالتین پاسخ نداشتن گناهان به گردن دیگران است همه ما منزه بی گناهییم چرا که همه گناهان برای خط و خطای ما دلایل متن و آشکاری داریم خطا کار همیشه کسی دیگری است چنین است که هستی و زنجیره ای از خسورن یکدیگر بنا می شود ما خورن حیوانات را حق طبیعی مان می ناییم اما حیوانی اگر بخورد مان آنه حق او نیست این وحشیگری است بر مایه های کائن جهانی همه سرمایه های خود و کائن را می بلند و این حق طبیعی شان شمرده می شود چرا که ایفای آن دارنده (چنین) می گویند) اما بخشی از نتیجه تعدی شان همین آسودهای گزیر می نتیجه احتجاری است که حضور خوشی را می نشیم. مردم سیاستمداران را برای سلمان دان به همین ناخجاری ها انتخاب می کنند اما انگار سیاستمداران سایه های همین ها هستند سیاستمداران دست های همین ها هستند باین تفاوت که در گذشته دلیلی برای پنهان کردن این واقعیت نمی دیدند در این روزگار شرمساره نباشند از اینها می کنند من دیگر از روی سرای بپسودی این بشری ندرام از روی آگاهی عمومی امنی و توان تغییر چنین وضعی را دارم امن آن روز را انتظار می کشم؟ حتی روزی که دیگر نباشیم با امید به روزگاری شاد و پر از سلامت و زیبایی عبد هممان مبارک.



اهل اردبیل

بیاید خاطرهای خوش بسازیم

علی دایی | پیش کسوت فوتبال

سال دیگری در راه است سال نو دیگری که خبر از تجربه های نو و اتفاقات نو می دهد. من دایی علی دایی برادر کوچک شما ملت ایران سال نو را به کلمات تبریک می گویم و امیدوارم امن بهار به کلمات باشد همیشه در هر شرایطی به وضعیت اجتماعی و اقتصادی برحسان ایران امیدوارم. حالا به بنامت از روزگارتون در کنار شما در دیگر روزها را می خواهم با شما شکر شود می خواهم از روی دوش مردم کشور برداشته شود و در سال نو دفعه های نو و البته مشت نشسته باشند از خدای بزرگ می خواهم ساله را از هیچ کدایان نگردد از روزگارتون دل تان خوش باشد و آنچه در باره زمین بماند همین قدر دانستن سبزی را مراحل زندگی به کمک ام می آیند وقتی قدر آنچه داریم به یادمان هم داشته باشیم چون دستان می شود هم نال می کشیم شکر خود خود کنیم بی کوشش ما معظوف به بی سرفوت و امید می شود می خواهم از شما هم وطن عزیز خوشی بر سرانه شما داشته باشم امید روزگارتون خنکی و شادمانی به سرفات می دیند همه شما می خواهم که ما و همه خوب و بدی بزرگی کنید توبه به ما عرض می کنم ای چون عید روزی که هیچ سرفای جردادی از این محسوسه دارم اهمیت چندانی بر خودار است ای دایه طوری رفتار کنیم که با یک اشتباه ما خنوادیه عزرازند چه بسا اشتباه کوچکی که خنوادیه بسبزی را از ما می کند وقت در رفتگی و حفظ ارزشی باقی می ماند علاوه بر حفظ سلامت ذهن و روان و نگرانی از خنوادیه و خوشی و عیدالاحدیت کنیم.



شما از سال تازه چه می خواهید؟

آرزوی ایرانی

چهره های آشنای ۳۱ استان کشور از آرزوهای خود در سال ۹۴ با شما سخن گفته اند

اهل قزوین

پهلوانان حقیقی ایران زمین

علی اکبر صالحی | رئیس سازمان انرژی اتمی کشور

تاریخ شادمانه و جوشناکی های کم نظیر ملت های پیشرو از ارتش داور جمهوری اسلامی ایران به روشنی در می بینیم که ریشه پیروزی آن سرکران و پهلوانان پر طلیعت و شجاعت و حریت بخورانه از خرم مقدس آسمان ایران در آموختن تربیت آنان نهفته است آن شاهان هلی شمشکال با کوشش و مجاهدت بسیار به آخرین دستاوردهای علوم و فنون دفاعی در نیمه پایانی قرن بیستم میلادی مچهر شدند اما سوخت اصلی پرواز آنان نه از منبع سوخت های فسیلی که از کنجینه آموزش بلند فرهنگ ایرانی-اسلامی تامین می شد.

هنگامی که در حال کارشان این یادداشت نوزدی بودم، با خودم اندیشیدم که با وجود این استناد و مریبان آسمانی دیگر مجالی برای طرح نام اینجانب نخواهد بود. امیدوارم که همه ما پیش از پیش، فدران اینترگری بزرگان باشییم که پهلوان حقیقی ایران زمین را در دامن پر مهر خود پرورش داده و حیات این جبهه ای خود را در کوی نیکبانی و ای دایه بی سمر آوردند.

در پایان ضمن آرزوی سلامتی و بهسوزی برای تکایر هموطنان عزیز به وسزه مرمغان غیور و داور پرور آستان قزوین از درگاه بگانه هستی بخش مسالت می نمایم تا این عید فرخنده را به همگان مبارک گرداند. امیدوارم هموطنان گرفتار فرصت نوسوز را غنیمت بشمرند و با سهامی و همراهی، در فراموشی من زمین شادی و خوشالی یکدیگر کوشا باشند. زمان بی کرانه را ایستایی و درنگی در کوی نیست از این رو به ماست که فرصت بگانه حیات بر این پهنه خاکی را به ساختن بنای «شادی اختصاص دهیم» از کوی بار می آید نسیم با نوزدی از این یاد آمدن خواهدی چراغ دل بر فرازی سخن در برده می گویم، چه گل از چشمه بیرون آید که پیش از پنج روزی نیست، حکم هم نوزدی

در آغاز اجاره می خواهم تا فرسین ساختن طبیعت آغاز سال ۱۳۹۴ خورشیدی را به پیشگاه ملت قدر شناسی و محلمه ساز ایران اسلامی به پرده دلاور و پهلوان نوزور آستان قزوین تبریک و شادمانی عرض نمایم. تقویم جلالی که بنابر گواهی بسیاری از دانش پوهان و گدانه شناسان در غایت اعتدال و مظهر انجاز بزرگان ایران اسلامی است، بخشی از میراث گرانسنگ و نامرئی این سرزمین خدای است. نخستین آرزو و امید اینجانب در سال جدید آن است که فرزندان پرورمان از روزیوم پیش از پیش پیرامون تاریخ فرهنگ و تمدن ایرانی اسلامی ببینند و گنجینه بی زوال اندیشه بلند بنیانگذار خود را مورد واکاوی و بازشناسی قرار دهند.

دوستان بزرگوار ما در نشریه وزین شهروند خواستار این یادداشتی از سوی اینجانب بودند تا به عنوان دل نوشته یکی از چهره های شاخص و برتر آستان قزوین انتشار یابد، در طول یک هفته گذشته با خود اندیشیدم که آیا نگارنده این سلطور از این شایستگی برخوردار است تا این نشان افتخار را به خود اختصاص دهد پس از گذر تصاویر گوناگون و متنوع از ذهن و ضمیر اینجانب برای لحظاتی چهره مهربان و باشکوه پدر معنوی بردمان اینترگری آستان قزوین در برابر دیدگاهم مجسم شد، به راستی که اگر می خواهم شخصیتی را در مقام چهره شناسی و برتر آن آستان قزوین بر گزینم، باید از روشاند فرخنده یادم، «حاجه سیدم قائم خانی» پدر گر اندر شهیدان اقامت سرتک خلیل عباسی بابای یاد کنیم.

اگر چه پس از پرورزی شکر همدان انقلاب اسلامی، این چهره ها با پرورزی آری را باقی یافت و حضور آنان در عرصه های مختلف حیات اجتماعی تثبیت نشد اما به همان اینجانب همچنان باید بر نقش برجسته و بی بدیل آنان در حفظ استقلال و عظمت ایران اسلامی تأکید و با نگاهای هر چند گذرا به

اهل تهران

در برابر داوطلبان هلال احمر سر تعظیم فرود می آورم

سعید راد | بازنگر

به عنوان یک شهروند می خواهم از مردم بخوام در همه روزهای سال هوی هم را داشته باشند. یاد هم بودن مهم ترین کاری است که از دست ما بر می آید. قصد نصیحت کردن ندارم زمامت می بزرگی مردم ایران لایق این گونه سخنان نیستند. از سوزی دیگر می دهم جوانان مومن هلال احمر در یک حرکت بزرگ اخلاقی و بدون چشمداشت در حال ایثار و مکتربسانی به مردم ایران هستند. در مقابل این همه فداکاری جوان های هلال احمری تنها کاری که از من سر می آید آن است که سر تعظیم فرود بیاورم و به آنها درود بفرستم. از تکتک ایرانی ها استعفا می کنم خودشان وضعیت می که در آن قرار گرفتند را امیدریست کنند. شاید در این سال ها که ما ساله شکرگسالی مواجه هستیم، مصرف آب را مدیریت مراقب باید خوشمان مراقب وضع ترافیکی باشییم. مگر پلیس تا چه حد

می تواند قضیه را کنترل کند؟ باید طوری زندگی کنیم که نه تنها مرگومیر کاهش پیدا کند، بلکه تلفات جانی در جاده ها به سرف برسند. بیاید فوینس را رعایت تاجان گرانهایی که خنوادیه به ما بخشیده به خاطر اشتباهی کوچک یا خطی از قانون گرفته نشود. نباید آب را در سال های کم آبی که با آنها مواجهیم تلف کنیم و در مقابل اعتراض هموطنان بگویم خودمان هزینه اش را پرداخت می کنیم. این حرف ها مال ملت نیست که در صدر فرهنگ و تمدن بشری ایستاده است. از جوانان زحمتمکش و تلاشگر فعال در سازمان داوطلبان جمعیت هلال احمر خواهی می کنم این نکات را به مردم عزیز توضیح دهند. امیدوارم با رعایت فوینس و احتیاطی که به یکدیگر می گذاریم، مسائل پیش رو یکی پس از دیگری مرتفع شوند. در انتها آرزو می کنم سالی پر از ایخند کشورمان باشد و خنده تا پایان سال جدید روی لبها بماند.

